روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر: ۳۷۲۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
چاپ: شهر چاپ خراسان

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
۳شنبه
۱۸ ۰۹ ۹۹
۲۴ صفحه: ۸ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
+ ۴ صفحه لینک + ۸ صفحه شهرآرا محله
شماره ۳۲۶۹ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای
Photoshahr.ir

رطوبت هوا ۸۹٪
۵° ↑ -۳° ↓
صبح ۱°
ظهر ۳°
عصر ۱°
شب ۰°

اذان ظهر ۱۱:۲۴
نیمه شب شرعی ۲۲:۳۹
غروب آفتاب ۱۶:۱۵
اذان صبح فردا ۵:۰۱
اذان مغرب ۱۶:۳۶
طلوع آفتاب فردا ۶:۳۲

حدیث روز

ارزشمندترین مردم کسی است که علم بیشتری داشته باشد.

امام صادق(ع)

ره صدساله

کیارنگ علایی
نویسنده و عکاس

امروز واکسن موثر کرونا به دست عده‌ای از مردم دنیا رسید و البته دست ما کوتاه است؛ به کوتاهی مسیر درازی که برای تولید واکسن داخلی باید طاقت بیاوریم و جان‌های بی‌شماری نیز از دست بروند. حالا چشم‌مان به اتحاد جهانی «کواکس» است که سازمان جهانی بهداشت، رهبری‌اش می کند و متعهد است به ۲۰ درصد کشورهای عضو از جمله ایران، واکسن موثر جهانی بدهد. دستیابی به واکسن کرونا و پیمودن فازهای مفصل آزمایشگاهی آن و کسب نتایج مطلوب در این زمان کوتاه، به خواب و رؤیایی شگفت شبیه است که باتوجه به تجربه‌های مشابه در طول تاریخ علم پزشکی، به پیمودن یک شبه رهی صدساله می‌ماند و این رخداد و تاریخ امروز برای پزشکی یک معجزه است. از یاد نبریم که ساخت واکسن آبله‌مرغان، هپاتیت، سرخک و اوریون به‌ترتیب ۳۴، ۱۲، ۹ و ۴ سال به طول انجامیده است و علم پزشکی به‌طور متوسط برای تولید یک واکسن موثر و کم‌عوارض به زمانی در حدود ۸ تا ۱۵ سال نیاز دارد. حال در روزهایی که طبقه‌بندی‌های دقیق برای اولویت بخشیدن به ساکنان مراکز سالمندان، افراد بالای ۶۵ سال، افراد دارای بیماری‌های زمینه‌ای و پرخطر در دنیا در حال انجام است تا در صف دریافت‌کنندگان واکسن در جهان قرار گیرند، کرونا نیاز سریع به پاسخ را گوشزد می کند. کرونا، آنفلوآنزا نیست که در چرخه عادی فصول بیاید و ما خود را در مقابل آن ایمن بدانیم. کرونا یک واکنش سریع را می‌طلبد و اگر این عکس‌العمل را در زمان خود از دست بدهیم، خسران زیادی گریبانمان را می گیرد. خسارتی که اندک اندک بر سرمان می آید و ما متوجه ابعادش نمی شویم. کرونا فقط یک همه‌گیری گسترده نیست، بلکه اهمیت سرمایه‌گذاری را به ما یادآوری می کند؛ سرمایه‌گذاری روحی برای مواقع اضطرار، سرمایه‌گذاری فکری برای استقلال فردی در مقابل بحران‌های انتظارنیافتنی و اتکای کمتر به سیستم‌های عمومی، سرمایه‌گذاری فرهنگی برای کاستن از خودخواهی و اهمیت دادن به زندگی جمعی و البته مهم‌تر از همه، سرمایه‌گذاری آموزشی برای مراقبت از زمین که خب، کلا از آن غافلیم و در حد شعار به آن پرداخته می‌شود.

در زمانه‌ای که همه، حقایق خود را دارند و حاضر نیستند از تصورات خود دست بکشند، مجالی برای جولان جریان گسترده اطلاعات درست و نادرست به موازات هم و با تفاوت‌هایی اندک نسبت‌به هم، ایجاد می‌شود. نتیجه چنین فرایندی، این است که آن بخش از اطلاعات منطقی که به‌خاطر تخصصی بودن، کمتر در چرخه اینستاگرام، تلگرام و توئیتر به میزان انبوه توزیع می‌شوند، فاقد هیجانند و به این دلیل دست به دست نمی‌شوند، کمتر دیده می‌شوند، کمتر خوانده می‌شوند و جای آن را، اطلاعاتی می گیرد که بیشتر نقل‌قول‌های کذب از پزشکان نام‌آور و غیرنامی برپایه اغراق، تحریف، طنز و تغییر در اصل خبر است. در چنین آوردگاهی که رقابت اطلاعات درست و غلط، منجر به پیدایش رفتارهای اجتماعی ناهمگون می‌شود، ما شاهد سه رفتار غالب، انکار بیماری (قدم اول)، ترس (قدم دوم و پس از آگاهی فرد بیمار به ابتلا) و غضب هستیم. رفتاری که موجب کوچک شمردن تلاش کادر درمان، خشم دربرابر محیط و بدتر از همه این‌ها شکل‌گیری این تفکر است که خب، من به‌سلامت از این شیب تند زندگی رَستم، حالا دیگر جان بقیه برایم مهم نیست و دست از رعایت دستورالعمل‌ها می کشم و به بقیه فکر نمی‌کنم.

این روزها که «همه‌گیری» واژه سال در فرهنگ لغت «وبستر» شده و هجوم برای درک اولیه، معصومانه و ساده این عبارت در موتورهای جست‌وجوی اینترنتی فزونی گرفته است، مسئله مهم این است که ما چه اقداماتی برای تجربه‌های مشابه پیش‌رو خواهیم داشت؟

بیل گیتس در سال ۲۰۱۵ وقتی روی سن «تد» رفت، جمله هوشمندانه‌ای را به زبان آورد: «ما هرگز برای اپیدمی بعدی روی کره زمین آماده نیستیم!» و سپس مهم‌ترین عامل را برای این آمادگی، رسیدن به یک سیستم بهداشت قوی همگانی توصیف کرد. آنچه بدیهی است، این است که در صف انتظار ساخت واکسن داخلی یا مشارکت با کشورهای همسایه برای تولید سریع‌تر واکسن موردنیاز کشور، باید اقدامات نظارت و مهار شدید را به اجرا گذاشت.

این روزها وقتی می‌شنوم سامانه‌هایی تلفنی برای دنبال کردن احوال اشخاص مبتلا (که نتیجه آزمایش‌شان در مراکز عمومی آزمایشگاهی مثبت بوده است) مشغول فعالیت شبانه‌روزی‌اند، خوشحال می‌شوم که اگرچه کمی دیر، اما همین که در طول شبانه‌روز سه‌بار با بیمار تماس تلفنی گرفته و گزارش تهیه می‌شود، جای امیدواری است. درکنار این، افزایش تعداد آزمایش‌ها و پشتیبانی دولت از مشاغل و طبقات اجتماعی آسیب‌پذیر -به شکل فوری و اورژانسی- می‌تواند به همه ما در گذر از این همه‌گیری کمک کند و همدلی اجتماعی بیشتری را میان ایرانیان ایجاد کند.

تاریخ‌نگار

۱۸ آذر ۱۳۷۰

معرفی عراق به‌عنوان آغازگر جنگ

رضا سلیمان نوری

یکی از اموری که از نخستین ساعات آغاز جنگ، ایران به‌دنبال آن بود، تلاش برای معرفی رسمی آغازگر جنگ بود. مسئله‌ای که سرانجام ۱۸ آذر ۱۳۷۰ خورشیدی یعنی حدود سه‌سال‌ونیم پس از پایان جنگ تحمیلی و ۱۱ سال پس از آغاز آن، در بیانیه رسمی که خاویر پرز دکوئیار، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، صادر کرد، اعلام شد. البته صدور این بیانیه مقدماتی داشت که مهم‌ترین آن‌ها حمله صدام‌حسین در ۱۱ مرداد ۱۳۶۹ به کویت و عربستان و اشغال کویت بود. از این زمان، ورق برگشت و قدرت‌های حامی صدام از او روی برگرداندند و جمهوری اسلامی ایران توانست مسائل مربوط به جنگ از جمله موضوع تعیین متجاوز را دنبال کند. این‌گونه بود که ۲۳ مرداد ۱۳۷۰ دبیرکل سازمان ملل متحد به‌منظور اجرای بندهای ۶ و ۷ قطعنامه ۵۹۸، نامه‌ای به کشورهای ایران و عراق نوشت و از آن‌ها خواست که ادله خود را برای معرفی آغازکننده جنگ اعلام کنند. دولت عراق در ۴ شهریور و جمهوری اسلامی ایران در ۲۴ شهریور مدارک خود را به دکوئیار ارائه کردند. دبیرکل سازمان ملل متحد پس از مشاوره با گروهی از کارشناسان خبره و مطالعه سندهای ارائه‌شده ازسوی دو کشور، ۱۸ آذر ۱۳۷۰ نظر خود را درباره اینکه عراق، آغازگر جنگ بوده است، طی یک گزارش رسمی در ۹ بند به شورای امنیت سازمان ملل اعلام کرد. در بند ۶ این گزارش آمده است: «رویداد برجسته‌ای که تحت عنوان موارد نقض حقوق و مقررات بین‌المللی در بند ۵ این گزارش بدان اشاره کردم، همانا حمله ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ علیه ایران است که براساس منشور سازمان ملل متحد، اصول ۲ قوانین شناخته‌شده بین‌المللی یا اصول اخلاقی بین‌المللی قابل توجیه نیست و موجب مسئولیت مخاصمه است». وی در بند ۷ گزارش هم آورده است: «حتی اگر قبل از شروع مخاصمه، برخی تعرضات از جانب ایران به خاک عراق صورت گرفته باشد، چنین تعارضاتی، نمی‌تواند توجیه‌کننده تجاوز عراق به ایران باشد و اشغال مستمر خاک ایران را در طول مخاصمه درپی داشته باشد. تجاوزی که ناقض ممنوعیت کاربرد زور است که یکی از اصول آمره حقوق بین‌الملل است».

البته دبیرکل سازمان ملل در بند ۹ به این نکته هم که خواست عراق بود، اشاره کرده است که: «از دید من به‌نظر نمی‌رسد تعقیب بند ۶ قطعنامه ۵۹۸ هدف مفیدی را برای صلح دربر داشته باشد».

این گزارش باید به تصویب شورای امنیت سازمان ملل می‌رسید که چنین اقدامی صورت نگرفت. بر این اساس، می‌توان گفت که اظهارنظر و گزارش دبیرکل سازمان ملل به‌صورت رسمی، تجاوز نظامی عراق به ایران را در اسناد رسمی و در افکار عمومی ثبت کرد، ولی باعث نشد که ایران بتواند خسارات خود را از عراق، مطالبه و دریافت کند.

دختر کو ندارد نشان از پدر...

قدردانی کاربران فضای مجازی از تصمیم شایسته دختر شهید قاسم سلیمانی

ارژنگ حاتمی
a.hatami@shahraranews.ir

روایت روز

زینب سلیمانی، دختر شهید سردار قاسم سلیمانی، پس از آنکه در بیانیه‌ای از دولت خواست بودجه درنظر گرفته‌شده برای بنیاد حاج قاسم سلیمانی را برای حل مشکلات مردم اختصاص دهد، در حساب کاربری‌اش در توئیتر نوشت: «همان‌طور که در بیانیه اشاره کردم، تقاضایی از جانب خانواده شهید و بنیاد مکتب حاج قاسم برای اختصاص ردیف بودجه صورت نگرفته بود. بنده به‌نمایندگی از خانواده حاج قاسم، اقدام شایسته در این زمینه را حذف عنوان بنیاد از ردیف بودجه ۱۴۰۰ و اختصاص آن به حل مشکلات مردم و ترویج مکتب حاج قاسم می‌دانم.»

این موضوع با واکنش‌های بسیاری در فضای مجازی روبه‌رو شد. کاربری با استفاده از دو هشتگ «بنیاد قاسم سلیمانی» و «زینب سلیمانی» در توئیتی نوشت: «مردانگی به جنسیت نیست. روح جوانمردی این دختر، درس آزادگی به خیلی از مسئولان داد.»

ارث بردن غیرت و وطن‌دوستی

بسیاری از کاربران در توئیت‌هایشان، از شهید سلیمانی یاد کردند. یکی از کاربران در توئیتی نوشت: «خانم زینب سلیمانی اعلام کردند: مکتب سلیمانی نیاز به ردیف بودجه ندارد. بودجه بنیاد حاج قاسم را خرج مردم کنید. از خانواده معزز سردار دل‌ها جز این انتظاری نمی‌رفت. به‌شیاطین، اجازه آلوده کردن مکتب سلیمانی را ندادند. تا باد چنین بادا!» کاربر دیگری هم نوشت: «دختر کو ندارد نشان از پدر...»، محمدعلی ابطحی، از فعالان سیاسی، از این اقدام دختر شهید سلیمانی تقدیر کرد. او در توئیتی نوشت: «وقتی اصالت در خانواده‌ای نهادینه باشد، می‌شود خانواده شهید قاسم سلیمانی. دخترش حاضر نیست بودجه مصوب دولتی برای بنیاد پدرش بگیرد.» حسین دهباشی، مستندنگار، هم در این‌باره نوشت: «خبر رسید که دختر ارجمند آن شهید والامقام از طرف همه اعضای خانواده به مسئولان پیام داده‌اند که همه بودجه‌ای که قرار بود صرف بنیادی به نام شهید سلیمانی شود، خرج محرومان گردد. چه بگوییم؟ مرحبا به چنان پدر و آفرین به چنین فرزندی!» برخی کاربران نیز به نام ایشان توجه کرده بودند. کاربری نوشت: «کربلا در کربلا می‌ماند اگر زینب نبود... زینب‌ها همواره در طول تاریخ، رسالت‌های مهمی به دوش داشته‌اند.» کاربر دیگری به نام «علی» نوشت: «زینب سلیمانی نشان داد از پدر، غیرت و وطن‌دوستی و معرفت را ارث برده است. او برازنده نام زینب است.»

پاسخی به هجمه‌های ناجوانمردانه

در روزهای گذشته، برخی رسانه‌های آن‌طرف آبی و برخی کاربران توئیتری، در اقدامی هماهنگ و با بی‌انصافی، هجمه‌هایی را علیه زینب سلیمانی، به‌دلیل قرار گرفتن نام بنیاد پدرش در ردیف بودجه آغاز کرده بودند. کاربری به نام «حامد» با اشاره به این موضوع می‌نویسد: «چه کسانی دغدغه آن ۸ میلیاردی را داشتند که به بنیاد شهید سلیمانی در بودجه ۱۴۰۰ اختصاص داده شده بود؟ دیگر دغدغه نداشته باشند؛ چون فرزند این شهید بزرگ، همان را هم نپذیرفت و گفت برای حل مشکلات مردم هزینه کنید. درضمن کل آن، پول یک خانه در یک منطقه متوسط شهر تهران بود.»، کاربر دیگری نیز توئیتی به این شرح نوشت: «دختر حاج قاسم! درود بر پدر شهیدت و غیرتی که از حاج قاسم در وجودتان است. هوشیاری شما مشتی محکم بر دهان یاوه‌گویانی بود که می‌خواهند حاج قاسم را از قلوب مردم جدا کنند.» کاربر دیگری نیز با اشاره به برخی کاربران که انتقادهایی در این‌باره مطرح می کردند، نوشت: «همه اون‌هایی که می‌گفتن زینب سلیمانی بودجه ایران را برد، الان که بیانیه داده ما بودجه نخواسته بودیم و آن را هزینه مردم کنید، همه لال شدن.»، کاربر دیگری به نام «باران» نوشت: «زینب جان! یادگار سردار دل‌ها! از زخم‌زبان‌های حقیرهای محدود مجازی، اما افعال، مبادا رنجور شوی، میلیون‌ها دل و جان پشت حاج قاسم سلیمانی و یادگاران عزیز ایران هست.» برخی دیگر از کاربران نیز زینب سلیمانی را با فرزندان برخی دیگر از مسئولان مقایسه کرده‌اند؛ ازجمله کاربری که نوشت: «شما یادتون نمیاد، دختری بود که بهش گفتن چرا حقوق بابات نجومیه؟ گفت حقشه از سفره انقلاب!» این کاربر در ادامه می‌نویسد: «همه که حاج قاسم نیستن نون حلال ببرن سر سفره تا زینب سلیمانی پرورش بدن.» یا کاربر دیگری که با استفاده از هشتگ «زینب سلیمانی»، توئیتی به این شرح نوشت: «کاش همه مسئولان، فرزندانشان را مانند حاج قاسم تربیت می‌کردند.»

در پایان لازم به ذکر است که هرچند با تاخیر، اما بالاخره سازمان برنامه و بودجه درباره برخی از شبهات ردیف بودجه‌ای بنیاد شهید حاج قاسم سلیمانی پاسخ داد، در بخشی از این اطلاعیه آمده است: «عموم ردیف‌های بودجه‌ای سپاه به نام شهدای گرانقدر نام‌گذاری شده است. بنابراین دستگاه اجرایی دو ردیف یاد شده با نام شهید حاج قاسم سلیمانی، ستاد مشترک سپاه پاسداران بوده و ربط دادن آن به خانواده سردار سلیمانی گناه بزرگی است که عده‌ای با اغراض سیاسی از خالی بودن ذهن مردم از اعداد و ارقام بودجه سوءاستفاده می‌کنند.»

راز فلز مرموز

گروه مجسمه‌ساز آمریکایی مدعی شدند ساخت و جای‌گذاری سازه‌های فلزی، کار خودشان بوده‌است

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

سوژه روز

ظاهر ماجرا دست کمی از قصه‌ها و فیلم‌های علمی تخیلی ندارد؛ همان‌هایی که یک گروه از دانشمندان وقتی مشابه روزهای دیگر مشغول کار روی پروژه تحقیقاتی خود هستند، خیلی ناگهانی با یک اتفاق غریب، یک شیئ عجیب یا یک نشان و علامت مرموز روبه‌رو می‌شوند و به‌دنبال آن، با چشم‌های گردشده و سرشار از سوال، به یکدیگر زل می‌زنند و می‌پرسند: «این دیگر چیست؟» داستان فلز مرموزی که در روزهای گذشته در این طرف و آن طرف از زیر خاک قدعلم کرد و بعد از مدتی ناپدید شد، ذهن خیلی‌ها را به خود مشغول کرد و برای بسیاری تداعی‌کننده فیلم ادیسه فضایی شد. نخستین بار وسط بیابان‌های ایالت یوتای آمریکا پیدا شد. وقتی که یک گروه زیست‌شناس بر فراز آسمان بودند تا مثل همیشه، گوسفندان منطقه را آمارگیری کنند، این تکه‌فلز را می‌بینند و بعد که توجهشان جلب می‌شود، فرود می‌آیند تا سروگوشی آب بدهند، بلکه بتوانند سر از کار آن درآورند؛ اینکه یک ستون فلزی یکپارچه براق که از آن به مونولیت یاد شد، لابه‌لای این همه تخته‌سنگ غول‌پیکر و وسط بیابان چه می‌کند؟ ستونی که ارتفاع آن بین سه تا سه‌ونیم متر تخمین زده شد؛ اتفاقی که باعث شد خیلی‌ها به قصد تماشای آن از نزدیک، با ماشین‌هایشان به دل بیابان بزنند. داستان وقتی جذاب‌تر شد که این ستون فلزی از بیابان یوتا ناپدید شد و گفتند مشابه آن در یک قلعه باستانی اطراف رومانی کشف شده است؛ اتفاقی که همه شایعه‌ها را دوباره قوت بخشید و مجدد تکرار شد؛ یعنی از رومانی هم غیب شد و مرتبه بعد، دوباره سر از آمریکا درآورد و این بار در ایالت کالیفرنیا. داستان، خوراک فضای مجازی بود. قصه‌ها شروع شد و سردمدار این حدس‌وگمان‌ها نزول اجلال آدم‌های فضایی به‌زمین بود و اینکه این ماجرا حتما از آن بالاها آب می‌خورد. کاربری نوشته بود: «ما که هی گفتیم آدم‌فضایی‌ها وجود دارن، شما گفتین نه. کار کار خودشونه. اومدن، اینو اینجا کار گذاشتن یا واکنش آدما رو بررسی کنن یا یک آزمایشی چیزی روشون انجام بدن.» پیش‌بینی‌های دیگری هم بود که می‌گفت احتمال دارد این کار، یک اثر هنری باشد و متعلق به هنرمندی که عشقش کشیده است آن را در بیابان نصب کند. در این میان، نیویورک‌تایمز گزارشی کار کرد که در آن به مجسمه‌سازی به‌نام جان مک‌کراکن اشاره کرده بود که به‌شدت دلبسته سبک هنری مینی‌مالیستی بوده و به‌خاطر ساخت آثاری مینی‌مال از تخته‌های براق و پوشیده از رزین و مجسمه‌های هندسی، مشهور بوده است. گمانی که البته مخالفانی هم داشت. کاربر دیگری گفته بود: «اینا کار اون دست از هنرمندای مدرنه که دوست دارن تضاد طبیعت و صنعت رو نشون بدن.» صحبت حتی از یک کار تبلیغاتی عجیب‌وغریب که بعدها قرار است درباره آن بشنویم، هم به میان آمد. کاربری نوشته بود: «والا تو دوره‌وزمونه الان، این‌قدر ایده‌های متفاوت تبلیغاتی وجود داره و راه‌های مختلفی برای نشون دادن اون ایده به ذهن بشر می‌رسه که اصلا بعید نیست این، یه کار تبلیغاتی باشه و برای جلب توجه بیشتر، این کار و انجام داده باشن.» اما حالا که تقریبا یک هفته‌ای از ماجرای ظهور و بروز این شیء مرموز می‌گذرد، به‌نظر معمای این فلز عجیب‌وغریب حل شده و کاشف به عمل آمده است که کار، کار یک گروه مجسمه‌ساز در نیومکزیکو، یکی از ایالت‌های جنوب‌غربی آمریکا، بوده است. این گروه، مسئولیت ساخت و جای‌گذاری این فلز را برعهده گرفته‌اند و حالا هم قصد دارند از خبرساز شدن آن به نفع خودشان بهره ببرند و اکنون آن را با قیمت ۴۵ هزار دلار برای فروش گذاشته‌اند. جالب اینکه برملا شدن راز این شیء مرموز هم واکنش‌های دنباله‌داری را در فضای مجازی درپی داشت. برخی‌ها براساس همان ضرب‌المثل معروف معما چو حل گشت آسان شود، سریع دست‌به‌کار شدند و نوشتند: «بفرما! از اولشم معلوم بود همه‌چیز سر کاریه.» اما همچنان هستند عده‌ای که این اتفاق را باور ندارند و می‌نویسند: «مطمئنین؟ باور می‌کنین؟ بعدا صداش درمیاد!»

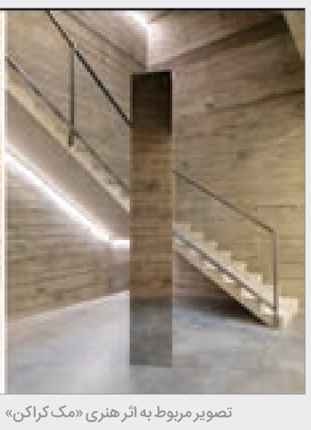

تصویر مربوط به اثر هنری «مک کراکن»

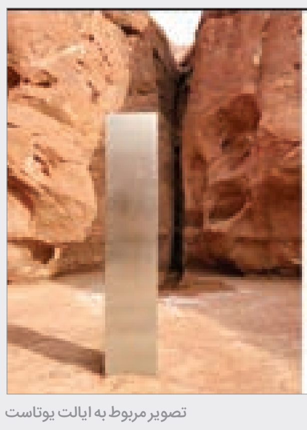

تصویر مربوط به ایالت یوتاست

کارتون شهر

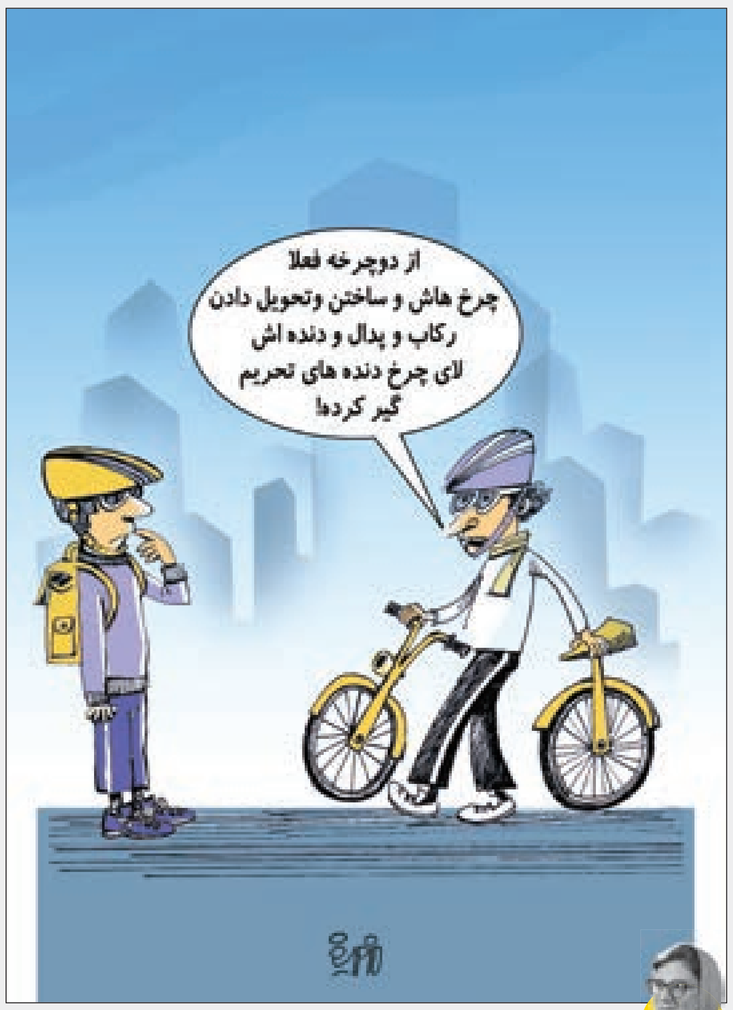

از دوچرخه فعلا
چرخ هاش و ساختن وتحویل دادن
رکاب و پدال و دنده اش
لای چرخ دنده های تحریم
گیر کرده!

فیروزه مظفری

چوب تحریم لای چرخ دوچرخه‌های اشتراکی نسل ۴

نگاه هشتم

درس دختر شهید سلیمانی برای بودجه‌بگیران مدعی

غلامرضا بنی اسدی

کیف کردم از کاری که خانواده شهید سلیمانی انجام دادند. روح هرکس شنید، شاد شد و بسیار بودند که صلوات دوباره فرستادند به روح بلند سردار دل‌ها. به‌باور من، کار درست همین بود که دختر شهید سلیمانی انجام داد؛ صریح و صادق، چنان که از پرورده مکتب سلیمانی انتظار می‌رفت. او ردیف اعلامی در جدول بودجه ۱۴۰۰ را نپذیرفت. یعنی قبل از آنکه بودجه‌ای از پیشنهاد دولت به تصویب مجلس برسد، آن را رد کرد. او درخواست کرد این بودجه‌ها، به رفع مشکلات مردم اختصاص یابد؛ همان که خواست و سلوک سلیمانی بود. او این روشنگری را هم کرد که: «تقاضایی از جانب خانواده شهید و بنیاد مکتب حاج قاسم برای اختصاص ردیف بودجه صورت نگرفته بوده است.» اما به‌محض اطلاع از موضوع، «این نکته از طریق مدیرعامل بنیاد به دستگاه‌های مسئول، منتقل شده است.» زینب سلیمانی، شعار نداد برای این کار و کسی را هم به‌تیر و طعنه ننواخت، بلکه «از دغدغه مسئولان محترم اجرایی و دست‌اندرکاران تنظیم بودجه» تشکر کرد اما موضع خانواده شهید را هم به‌صراحت بیان کرد. باری، سلیمانی، برج و باروی امنیت وطن بود و با خون پاکش، رسم‌الخط خدمت را هم روشنایی تازه بخشید. نه وقتی بود، به سفره نگاه داشت و نه قرار است دیگران به اسم او چنین نگاهی داشته باشند. با این خبر، آدم به یک «ای کاش» می‌رسد؛ ای کاش صاحبان دیگر موسسات هم به این شیوه مرضیه، اقبال نشان می‌دادند. کاش کسانی که ماموریت دینی برای خود قائلند، به این شیوه ادای دین می کردند به مردمی که فقر دارد ایمانشان را به هماوردی می طلبد. دست شستن از بودجه عمومی و دست گذاشتن به زانوی خویش، فرهنگ‌سازتر است و باعث تقویت ایمان مردم هم می‌شود؛ چیزی که به هدف بزرگواران هم نزدیک‌تر است.

## زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

پرسش

آیا «واژه‌ها» با «واژگان» تفاوتی دارد؟ کاربرد کدام‌یک درست است؟

پاسخ

استاد مصطفی ملکیان به‌خوبی تفاوت این دو را آشکار کرده است:

«در بیشتر نوشته‌ها و گفته‌ها دو واژه «واژگان» و «واژه‌ها» به خطا به جای یکدیگر به کار می‌روند؛ حال آنکه میان این دو تفاوت هست. در هیچ زبانی نمی‌توانیم تعبیری زبانی به کار ببریم مگر اینکه آن تعبیر زبانی یا کلمه (word) است یا «عبارت» (phrase) یا «جمله» (statement).

ممکن است شما از واژه «دلایل» استفاده کنید ولی من هرگز این واژه را به کار نمی‌برم و به جای آن می‌گویم: «ادلّه». در این صورت «ادلّه» جزو «واژگان» من قرار دارد و این واژگان همان است که در زبان انگلیسی به آن «vocabulary» می‌گویند. حال تفاوت میان «واژه‌ها» و «واژگان» روشن می‌شود: «words» یعنی همه واژه‌هایی که در هر زبانی وجود دارد؛ اما، vocabulary یعنی مجموعه همه واژه‌هایی که یک‌شخص خاص در گفته‌ها و نوشته‌های خود به کار می‌برد. پس هر کس «واژگان» خاص خود را دارد. و اتفاقاً یکی از راه‌های شناخت افراد شناخت «واژگان» (vocabulary) آن‌ها است.»

از درس گفتارهای استاد مصطفی ملکیان

#زین_قند_پارسی

مجله عصر شهرآرا هجده شصت
برای خواندن مجله عصر شهرآرا کد را اسکن کنید